



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در مسئله ارث دانستن و تسلط بر حساب نقش بسیار مهم و زیادی در فهم مطالب دارد، شرایع و جواهر در آخر کتاب الإرث یک بحثی تحت عنوان خاتمه در مورد حساب دارند که اگر اول آن را بحث کنیم برای ما بهتر خواهد بود و به روشن شدن مطالب کمک خواهد کرد.

عبارت صاحب جواهر این است: «خاتمة في حساب الفرائض ، وهي تشتمل على مقاصد:

في مخارج الفروض الستة (نصف، ربع، ثمن، ثلثان، ثلث، سدس) المقدره في كتاب الله عز وجل وطريق الحساب فنقول: اعلم أن عادة أهل الحساب إخراج الحصص (مثل نصف و ثلث و ربع و...) من أقل عدد (زیرا هرچه عدد کوچکتر باشد تسلط ما بیشتر خواهد بود) ينقسم على أرباب الحقوق (مثل ۱۲ که هم ثلث و هم ربع و هم سدس دارد) من دون كسر (چون می خواهیم عدد صحیح باشد) ، وبيضيفون حصة كل واحد إلى ذلك العدد (یعنی همان ارباب الحقوق)، فإذا كان ابنين مثلا قالوا : لكل ابن سهم من سهمين من تركته ، ولا يقولون التركة بينهما نصفان ، ويسمون العدد المضاف إليه أصل المال ومخرج السهام.

ونعني بالمخرج أقل عدد يخرج منه ذلك الجزء المطلوب صحيحا (همان کوچکترین مخرج مشترک) فهي إذا خمسة : النصف من اثنين ، والربع من أربعة ، والثلث من ثمانية ، والثلث والثلثان من ثلاثة ، والسدس من ستة، ثم الورثة إن لم يكن فيهم ذو فرض (یعنی در قران برای آنها سهمی معین نشده) وتساووا في الإرث فعدد رؤوسهم أصل المال ، كأربعة أولاد ذكور ، وإن كانوا يقسمون للذكر مثل حظ الأنثيين فاجعل لكل ذكر سهمين ولكل أنثى سهما ، فما اجتمع فهو أصل المال ، وإن كان فيهم ذو فرض أو

أصحاب فروض (یعنی در قران برای آنها فرض معین شده است) فاطلب عددا له ذلك السهم أو تلك السهام ، واقسم الباقي بعد السهم أو السهام على رؤوس بين الورثة إن تساوا ، وعلى سهامهم إن اختلفوا»<sup>۱</sup>.

مطالب مذکور مقدمه بود و بعد از آن صاحب جواهر مطلب را شروع کرده و اینطور فرموده: «وذلك بأن تطلب أولا مخرج الفروض ، فما بقي إن لم ينكسر على ما بقي من غير أرباب الفروض كفي ما طلبته ، كزوج وأبوين وبنين خمسة أو ابنين وبنات ، فتطلب أولا مخرج السدس ابوين والربع وهو اثنا عشر ، فتعطى الزوج ثلاثة ، والأبوين أربعة ، والباقي خمسة لا تنكسر على الباقي ، وإن انكسر ضربت سهامهم في العدد الذي حصلته أولا ، فإن كان في المثال ابنان فاضربهما في الاثنى عشر ، وإن كان ابن وبنات فاضرب الثلاثة التي هي مخرج قسمتهما في الاثنى عشر ، وهكذا»<sup>۲</sup>.

توضیح کلام صاحب جواهر:

مثلا زنی از دنیا رفته و یک شوهر و پدر و مادر و پنج پسر دارد، در اینجا زوج یک چهارم و ابوين هرکدامشان یک ششم می برند و پنج پسر نیز دارد، خب مخرج کسر زوج ۴ است و مخرج کسر هرکدام از ابوين ۶ است پس ما دو مخرج ۶ و یک مخرج ۴ داریم و هرجائی که دو مخرج متماثل داشته باشیم یکی از آنها را حذف می کنیم و فقط یکی از آنها را می گیریم، حالا ۶ و ۴ چونکه به هم قابل قسمت هستند و مقسوم علیه مشترکی دارند متوافقین هستند و مقسوم علیه ۴ و ۶ عدد ۲ می باشد، خب در این موارد یکی را بر مقسوم علیه مشترک تقسیم می کنند و خارج قسمت را در دیگری ضرب می کنند که در اینجا ۶

<sup>۱</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۳۳. ط ۴۳ جلدی.

<sup>۲</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۳۴. ط ۴۳ جلدی.

۶ سهم به پدر و ۶ سهم به مادر می دهیم که جمعا می شود ۲۱ سهم و باقیمانده می شود ۱۵ سهم که از این مقدار ۱۰ سهم به پسر و ۵ سهم به دختر داده می شود و درست می شود .

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطاهِرین

تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۴ می شود ۱۲ و یا ۴ تقسیم بر ۲ می شود ۲ و ضرب در ۶ می شود ۱۲ ، بنابراین اصل مال در اینجا به ۱۲ سهم تقسیم می شود و حالا ربع یعنی سه دوازدهم را به زوج می دهیم و به هر کدام از پدر و مادر نیز سلس یعنی دو دوازدهم می دهیم و الباقی را که پنج دوازدهم است به پنج پسر می دهیم .

مثال دوم صاحب جواهر این بود که زنی از دنیا رفته و یک شوهر و پدر و مادر و دو پسر و یک دختر دارد که در اینصورت نیز باقی مانده پنج تا می شود زیرا ابنین می شود چهارسهم چون هر پسر دو برابر دختر سهم می برد و بنت نیز می شود یک سهم و جمعا می شود همان پنج سهمی که در مثال اول ذکر .

صاحب جواهر در ادامه کلامشان دو مثالی که زدند را تغییر می دهند و اینطور می فرمایند که حالا اگر زوج و ابوین و دو پسر باشند در این صورت زوج سه دوازدهم و پدر و مادر هر کدام دو دوازدهم می برند و پنج سهم از دوازده سهم باقی می ماند در حالی که دو پسر باقی مانده اند که نمی شود پنج سهم را به دو پسر داد لذا باید فکری بکنیم، خب ۵ و ۲ باهم متباین هستند که در اینجا باید ۲ را در ۱۲ که عدد رئوس بود ضرب می کنیم که حاصل ضرب می شود ۲۴ و درست می شود زیرا ربع از این ۲۴ یعنی ۶ سهم برای زوج است و هر کدام از پدر و مادر ۴ سهم می برند که تا اینجا می شود ۱۴ سهم و ۱۰ سهم باقیمانده را بین دو پسر تقسیم می کنیم و به هر کدام ۵ سهم می دهیم و درست می شود.

مثال آخری که ایشان می زند این است که از زن زوج و ابوین و یک پسر و یک دختر باقی مانده، که در این صورت سهم یک پسر و یک دختر می شود ۳ سهم یعنی یک سهم دختر و دو سهم پسر، خب حالا مثل مورد قبلی ۳ را در ۱۲ که عدد رئوس و مخرج اولی بود ضرب می کنیم که می شود ۳۶ و از این مقدار ۹ سهم به زوج و